



بررسی ابعاد مشارکت سیاسی زنان در گفت‌وگوی «جوان» با مجید کاشانی جامعه‌شناس سیاسی

نامزدها برای زنان در حد مسئولیت خود شعار دهند

کفت و گو
زهرآچیزی

در انتخابات پیش‌رو زنان حضور سیاسی فعالی داشته‌اند و ۱۲صد از کاندیداهای ورود به مجلس در زمان ثبت‌نام زن بودند، اما صرف‌نظر از زنانی که برای حضور در عرصه‌های سیاست اعلام آمادگی می‌کنند مشارکت سیاسی زنان و حضور فعال آنان در انتخابات همیشه به گونه‌ای بوده که کاندیدها را بر آن داشته‌است تا برای جلب نظر و در نتیجه آرای بانوان برنامہ‌ریزی کنند. کاندیدها همواره به این نکته توجه دارند که زنان نیمی از بدنه جامعه را تشکیل می‌دهند و این نیمه جدای از حضور مستقیم و به عنوان کاندیدا در انتخابات‌هایی همچون انتخابات مجلس، از حق رأی و انتخاب بر خوردارند و همین مسئله ابعاد مشارکت سیاسی آنان را جدی‌تر می‌کند. به همین خاطر هم در تمامی انتخابات‌ها چه مجلس، چه شورایاری‌ها و حتی انتخابات ریاست جمهوری زنان یکی از محورهای اصلی بر نامه‌ها و شعارهای انتخاباتی کاندیدها هستند. از سوی دیگر زن فارغ از نقش‌های زنانه و فردی‌اش، در کانون خانواده تعریف می‌شود و بانوان علاوه بر اینکه در انتخابات آرای خودشان را دارند می‌توانند بر رأی اطرافیان یعنی همسر، فرزندان و سایر اعضای خانواده تأثیرگذار باشند و این مهم محوریت زنان را در شعارها و برنامه‌های کاندیدها جدی‌تر می‌کند و جایگاه مشارکت سیاسی بانوان را ارتقا می‌دهد. با تمام اینها گاهی اوقات برخی کاندیدها و جریان‌های سیاسی برای بهره‌گیری از ظرفیت زنان در انتخابات و بر کردن سید آرایشان به شعارهای غیرواقعی و فریکارانه روی می‌آورند؛ شعارهایی که تاریخ انقضایشان با پایان انتخابات به اتمام می‌رسد و در نهایت جامعه زنان می‌ماند و مطالباتی که با استفاده ابزاری از سویی برخی کاندیدها و جریان‌های سیاسی به حال خود رها می‌شوند اما اثر سوء و عده‌های برخی کاندیدها و جریان سیاسی در جامعه باقی خواهد ماند. در آستانه انتخابات مجلس دهم سراغ دکتر مجید کاشانی، جامعه‌شناس سیاسی و استاد دانشگاه قتیوم و با وی درباره انتخابات و مشارکت سیاسی زن به گفت‌وگو نشستیم.

■ ■ ■

آقای دکتر! زنان نیمی از بدنه جامعه را تشکیل می‌دهند و حضورشان در صحنه‌های گوناگون جامعه مؤثر است. مشارکت سیاسی زنان چقدر می‌تواند در معادلات سیاسی و اجتماعی اثرگذار باشد؟

در همه جوامع و کشورهای جهان زنان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقشار جامعه در صحنه کار و فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از دیرباز مد نظر قرار می‌گرفتند و این موضوع در ساختار کلی جامعه به صورت نهادینه شده وجود داشته است. تجربه نشان می‌دهد از اعصار باستان زنان دوش به دوش مردان در همه عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نقش داشته‌اند اما از یک دوره‌ای به بعد نقش زنان دچار تحول می‌شود. ما در دنیا با بروز انقلابات اجتماعی مواجه هستیم. به طور نمونه بعد از انقلاب کبیر فرانسه حضور زنان در جامعه قدری جدی‌تر مطرح و به این دلیل که نقش آنان در صحنه‌های اجتماعی و بیرون از خانواده بر رنگ‌تر می‌شود آنان دارای مطالبات و حقوقی می‌شوند و همین موضوع سبب می‌شود در کشورهای مختلف از وجود زنان به فراخور ستن و آداب جوامع آن کشور استفاده بیشتری شود.

ریشه‌های ورود زنان به جامعه‌ما و استفاده ظرفیت‌ها از این قشر مؤثر در ایران به چه زمانی باز می‌گردد؟

در ایران حضور اجتماعی زنان با دوره‌های غربگرایی از اواخر دوره زندیه و از صفویه به بعد اتفاق می‌افتد. در این دوره‌ها ما با حضور بیشتر زنان مواجه هستیم که این موضوع از قاجاریه به بعد بر رنگ‌تر می‌شود و در دوره پهلوی، رضا شاه به تقلید از آنتونرک دست به بازگشایی تمدنی با نام ایران و ایرانی و احیای تمدن ایرانی با سمت و سوی تمدن غرب می‌شود. این روند حرکت به سمت و سوی غرب و بهره‌گیری از الگوهای غربی به صورت کاملاً ناقص و با بازپس زنی که در فرهنگ جامعه ایران وجود دارد از سال ۱۳۰۰ شمسی به بعد جدی‌تر می‌شود و در این سال‌ها می‌بینیم

جریان حضور زنان به‌لحاظ ساختار و شکل دارای یک شوک بسیار جدی می‌شود. قبل از این زنان حضور داشتند اما ساختار اجتماعی حضور زنان به صورت سنتی بوده است. این دگرگونی در ساختار محتوا و شکل فعالیت‌های اجتماعی و چگونگی استمرار حضور زنان و نقش و مسئولیتی که به عهده آنان گذاشته می‌شد کاملاً خارج از تعریف‌های سنتی گذشته و عرف معمول جامعه، با شعارهایی که این نیاز در جامعه وجود دارد و به شکل فرامی‌شی صورت گرفت.

پس می‌توانیم بگوییم استفاده ابزاری از بانوان از دوره پهلوی به صورت جدی مطرح شد؟

بله، از دوره پهلوی اول ما حضور زنان را در عرصه سیاسی شاهد هستیم که حتی تا مر حله وزارت پیش می‌روند اما به شکل کاملاً نمادین نه حقیقی و حتی بخشی از وظایف و مسئولیت‌ها به عهده آنها گذاشته می‌شود و با روشی همراه با ارعاب و تهدید و بعضاً مشوق‌های عجیب فراز و فرودهای متعددی زنان را وارد عرصه‌های سیاسی می‌کنند، در حالی که نقش ناپیدی زنان در پشت مردان به صورت سنتی که در گذشته ایران وجود داشت در دوره پهلوی کاملاً تغییر و ساختار جدیدی پیدا می‌کند. بنابراین ریشه‌های سوءاستفاده از جایگاه و موقعیت زنان از آن دوره به بعد شکل می‌گیرد.

زنان به هر رو نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و به نظر می‌رسد که حضور و مشارکت این قشر در جوامع امروزی گریزناپذیر است. از نگاه شما به عنوان یک جامعه‌شناس سیاسی چه قواعد و هنجارهایی بر مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون به ویژه میادین سیاسی حاکم است؟

در تعریف جامعه مدرن زنان باید در صحنه‌های مختلف حضور داشته و دارای مصادر و پست‌های رسمی باشند. چنین شعارهایی هر چند می‌تواند بجا و درست باشد اما ممکن است مشکلاتی را برای خود خانم‌ها و محیطی که در آن قرار می‌گیرند و مخصوصاً خانواده‌ای که وابسته به حضور و وجود زن است و حتی چالش‌هایی

برای جامعه داشته باشد. استفاده از زنان و به کارگیری نیروی عظیم این قشر برای همه افراد و سیاستمداران به منظور پر کردن خلأهای شغلی و فعالیتی در جامعه به صورت طبیعی و با کارکردها و زیرساخت‌های متناسب با طبیعت آنان مد نظر جمیع اندیشمندان اجتماعی و سیاستمداران بوده و کاملاً صحیح است. اما سوءاستفاده‌ها باعث می‌شود از زنان به صورت سمبلیک استفاده نشود نه واقعی و همچنین زنان نه فقط نقش مثبتی نداشته باشند بلکه به صورت معکوس برخی کارهایی که در اراده و خواست یا در توانایی آنها نباشد به صورت نمادین در اختیار آنها قرار بگیرد و این برای آنان آزاردهنده است.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سیاسی در جامعه ما عرصه انتخابات است. به نظر شما مشارکت و حضور زنان در عرصه انتخابات چقدر در سر نوشت و نتایج آن مؤثر است؟

درباره حضور زنان در عرصه سیاسی و مخصوصاً جریان انتخابات دید نکته مطرح است؛نخست اینکه اصولاً زنان بعد از انقلاب اسلامی و در عرف جامعه ما بیش از مردان علاقه‌مند به حضور در پای صندوق‌های رأی هستند و همچنین مشوق همسران و فرزندان خود برای شرکت در انتخاباتند. این نکته‌ای است که برخی از کاندیدها از آن آگاه هستند و ممکن است از این جریان به شکل‌های متفاوتی سوءاستفاده شود.

سوءاستفاده به چه معنی و چگونه اتفاق می‌افتد؟ گاهی اوقات با شعارهایی که درباره آزادی و حقوق زنان داده می‌شود نامزدها می‌خواهند به نوعی نشان بدهند برنامه‌های بسیار خوبی برای زنان دارند و آنان را به این برنامه‌هاامیدوار کنند، در حالی که ممکن است این سیاست‌ها، برنامه‌ها و رویکردهای اجرایی که از سوی کاندیدها مطرح می‌شود در زمره برنامه‌های چشم‌انداز جمهوری اسلامی نباشد یا در حد و اندازه مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری یک نماینده نباشد. این به نوعی سوءاستفاده برای جلب آرای زنان به شمار می‌آید. به بیان دیگر وقتی غیر از آنچه در برنامه‌ها، سیاست‌ها و رویکردهای اجتماعی، اقتصادی و شغلی



است، شعارهایی خارج از توان قوه اجرایی یا خارج از صلاحیت و حیطه اختیارات کاندیدها به لحاظ تصمیم‌گیری و اجرا داده می‌شود این در واقع سوءاستفاده از ظرفیت بانوان است.

همچنین ممکن است نوعی فضای تبلیغاتی خاص با حضور زنان شکل بگیرد که مغایر عرف جامعه ما باشد.

اینکه اصولاً زنان بعد از انقلاب اسلامی و در عرف جامعه ما بیش از مردان علاقه‌مند به حضور در پای صندوق‌های رأی هستند و همچنین مشوق همسران و فرزندان خود برای شرکت در انتخابات‌اند. این نکته‌ای است که برخی از کاندیدها از آن آگاه هستند و ممکن است از این جریان به شکل‌های متفاوتی سوءاستفاده شود

د

گاهی اوقات با شعارهایی که درباره آزادی و حقوق زنان داده می‌شود نامزدها می‌خواهند به نوعی نشان بدهند برنامه‌های بسیار خوبی برای زنان دارند و آنان را به این برنامه‌هاامیدوار کنند، در حالی که ممکن است این سیاست‌ها، برنامه‌ها و رویکردهای اجرایی که از سوی کاندیدها مطرح می‌شود در زمره برنامه‌های چشم‌انداز جمهوری اسلامی نباشد یا در حد و اندازه مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری یک نماینده نباشد. این به نوعی سوءاستفاده برای جلب آرای زنان به شمار می‌آید. به بیان دیگر وقتی غیر از آنچه در برنامه‌ها، سیاست‌ها و رویکردهای اجتماعی، اقتصادی و شغلی است، شعارهایی خارج از توان قوه اجرایی یا خارج از صلاحیت و حیطه اختیارات کاندیدها به لحاظ تصمیم‌گیری و اجرا داده می‌شود این در واقع سوءاستفاده از ظرفیت بانوان است

دانشگاه‌ها، اجتماعات محلی و بسیاری از نهادهای مردمی بیندازد، زیرا بسیاری از هنجارها و ارزش‌های مرتبط با بانوان اگر شکسته شود به این راحتی ترمیم نخواهد شد. استفاده ابزاری از زنان در انتخابات حیثیت اجتماعی و شأن بانوان را در طولانی مدت خدشه‌دار می‌کند و آنان را با چالش‌های خانوادگی، شغلی و اجتماعی مواجه می‌سازد و این استفاده ابزاری از زنان در مصادر اجرایی انتخابات مخصوصاً در شهرهای کوچک بسیار حائز اهمیت است و خود کاندیدها هم باید به آن توجه کنند.

البته باید توجه داشت رسانه‌های گروهی هم در این زمینه نقش مؤثری دارند. این در حالی است که یکی از انتقادات بجایی که به رسانه ملی مطرح است این است که در دوره انتخابات از زنان و بانوانی استفاده می‌شود که شاید در روزهای عادی از چنین وجهه‌هایی استفاده نشود. باید همان هنجارهایی که در طول سال و در غیر از شرایط انتخابات در نشان دادن افکار و عقاید اجتماعی وجود دارد در این ایام هم همان هنجارها رعایت شود. بنابراین رسانه‌ها هم در این میان باید نقش‌های متناسبی از خود ارائه دهند و افراط و تفریط در این زمینه آسیب‌زااست.

شما حضور و مشارکت بانوان در انتخابات را از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی چگونه تحلیل می‌کنید؟

با توجه به نگرانی‌ها در خصوص تحریم‌ها و نوساناتی که جامعه ما را در بر گرفته است و نقش زنان در اداره امور زندگی به نظر می‌رسد این دوره انتخابات به لحاظ تحلیل و تفسیرهای بانوان و نوع نگرش‌های تیزبینانه آرای انتخاباتی تحت تأثیر تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی زنان قرار گیرد. بانوان نسبت به مردان برای آینده نگران‌ترند. از سوی دیگر در وضعیت امروز جامعه مسائلی از جمله ازدواج جوانان خیلی تحت تأثیر رفتار و رویه‌های مربوط به بانوان قرار می‌گیرد. ما با کمبود تشکلهای سیاسی و نهادهای مدنی مربوط به زنان مواجه هستیم. خلأ نهادهای مدنی مربوط به زنان وجود دارد و به صورت متشکل و بین بخشی کاملاً احساس می‌شود. حتی بسیاری از فقها و علما در این زمینه معتقد به ایجاد تشکلهای مربوط به زنان هستند. حرکت‌هایی آغاز شده است اما مقولات جدی‌تری درباره حضور زنان از لحاظ استراتژی و چشم‌انداز و سیاست‌ها، راهبردها و نقشی که باید در جامعه داشته باشند وجود دارد و ما نسبت به نهادهای مدنی موجود در جهان به نظر می‌رسد قدری عقب هستیم، این در حالی است که ما بیشتر شعار داده‌ایم. طبیعی است کاندیدهای جریان‌های سیاسی که در این زمینه‌ها برنامه یا لافال شعارهایی داشته باشند در جذب زنان قوی‌تر خواهند بود.

الزامات و دستاوردهای مشارکت سیاسی زنان

بی‌تردید سابقه جدی‌ترین مشارکت سیاسی زنان در اداره حکومت و حق رأی و نظر دادن در رابطه با حاکمان به دوران اسلام بازمی‌گردد. زنان مسلمان در ۱۴ قرن قبل با امر خدا و با ابلاغ رسول اکرم (ص) حق رأی و بیعت را پیدا کردند و به طور عملی وارد حوزه مناسبات سیاسی جامعه خود شدند. بعد از پیامبر اما با انحرافات شکل گرفته و خارج شدن حاکمیت از دست اهل بیت (س) حق رأی و مشارکت سیاسی زنان هم دستخوش سوء برداشت‌هایی شد، اما نیاز به مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و حقوق آنان در تعیین سرنوشت جامعه ضرورتی انکارناپذیر بود که رفته رفته در تمام دنیا به آن پی بردند و به سوی حق رأی برای زنان حرکت کردند. اولین حق رأی در کشورهای جهان را زلاند نو در سال ۱۸۹۵ یعنی حدود یک قرن پیش به زنان داد.

بعدها سایر کشورها نیز به جمع کشورهایی پیوستند که با فراهم کردن حق رأی زنان امکان مشارکت سیاسی آنان را فراهم کردند. با وجود این موضوع مشارکت سیاسی زنان پیچیده‌تر از چیزی است که ابتدا به نظر می‌رسد. مشارکت از توجه به محرک‌های سیاسی مانند خواندن و گوش فرا دادن به اخبار سیاسی گرفته تا شرکت در مباحث سیاسی، رأی دادن، مبارزات تبلیغاتی، اداره امور سیاسی و مناسبت‌های حزبی را در بر دارد. بسیاری از محققان مشارکت را امری قابل آموزش می‌دانند. به عبارت دقیق‌تر مشارکت سیاسی یک فرهنگ است که باید توسط مراجع رسمی و کانون‌ها و نهادهای مردمی ایجاد و تقویت شود. از این رو می‌توان مشارکت سیاسی را شکلی از تعلیم و تربیت مدنی و سیاسی دانست. همین ویژگی آموختنی بودن مشارکت، موجب می‌شود جنسیت و نیز موقعیت اجتماعی و اقتصادی اعضای یک جامعه بر میزان و کیفیت مشارکت سیاسی‌شان تأثیر بگذارد. زنان و مردان در بسیاری از جوامع از لحاظ دسترسی به امکانات و ظرفیت‌های اجتماعی و تعلیم و تربیت دارای موقعیت‌های متفاوتی هستند. با نگاهی منصفانه به وضعیت سیاسی زنان در می‌یابیم که زنان در بسیاری جوامع به عنوان نوعی سپاه ذخیره محسوب می‌شوند که در مناسبت‌های خاص اجتماعی به میدان کشیده شده و مورد بهره سیاسی واقع می‌شوند. به همین خاطر هم موضوع حقوق و آزادی زنان، در دوران نزدیک به هر انتخاباتی در اظهارات و وعده‌های تمامی کاندیدهای مناصب سیاسی دیده و شنیده می‌شود. این وعده‌ها با هدف جلب آرای زنان طراحی می‌شوند. از این رو بررسی علل و پیامدهای مشارکت سیاسی زنان می‌تواند به افراش درک رابطه زنان و سیاست به‌طور کلی، زنان و انتخابات به‌طور جزئی کمک کند.

برای داشتن تحلیلی واقع‌بینانه‌تر در این حوزه می‌توان موضوع زنان و مشارکت سیاسی و انتخابات‌ها را در دو چارچوب کلان و خرد یعنی اجتماعی و فردی مورد واکاوی قرار داد. دانستن اینکه چه نیروها و انگیزه‌های فردی در انجام مشارکت سیاسی دخیل هستند می‌تواند به کاندیداها و جریان‌ات سیاسی کمک کند تا متناسب با این انگیزه‌ها شعارهایشان را طراحی کنند. در این راستا می‌توان برای خصوصیات روانی، شخصیتی و وضعیت اجتماعی – اقتصادی افراد اهمیت خاص قائل شد. در سطح کلان نیز باید بدانییم چه نیروها و ساختارهایی در سطح جامعه بر فعالیت افراد اثر می‌گذارند و توزیع خاص نیروها چگونه شکل و ماهیت مشارکت را مشخص می‌کند. همچنین ناپیچی که مشارکت سیاسی برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورد در چارچوب پیامدهای خرد و کلان قرار می‌گیرد. در انگیزه‌های فردی، جنبیت اثر بیشتری دارد، زیرا با خصوصیات روانی و درونی افراد در رابطه است. با تمام اینها اما زنان امروز نسبت به گذشته آگاه‌تر شده‌اند و این مسئله خود عاملی برای افزایش مشارکت سیاسی آنهاست. افزایش سطح آگاهی باعث می‌شود افراد بتوانند ارزش‌های اجتماعی را به عقاید سیاسی خود ربط دهند. تعلیم و تربیت و رسانه‌ها در رشد آگاهی نقش بسزایی دارند. در سطح کلان، مشارکت سیاسی زنان هم تابعی از کل نظام مشارکت سیاسی جامعه و هم متأثر از مجموعه عوامل خاص فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در زمینه مسائل زنان است.

در واقع زنان با مشارکت سیاسی می‌توانند میان عرصه خصوصی و عمومی حیات خویش پیوند ایجاد کنند. به‌طور نمونه زنان خاندان که قشر عظیمی از جمعیت زنان کشور ما هستند با مشارکت سیاسی به عرصه عمومی وارد و بر آن تأثیرگذار خواهند بود. این مشارکت سیاسی موجب می‌شود تا زنان به عنوان شهروندان مسئول شناخته شوند. علاوه بر این حضور زنان در عرصه اجتماعی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و داده‌های جدید به آنها می‌دهد. مشارکت سیاسی زنان با عنایت به نقش مادری آنها در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی نسل‌های بعدی نیز تأثیر بسیاری دارد، چرا که مادران با باینش سیاسی بالا فرزندان متعهد نسبت به سرنوشت جامعه را تربیت می‌کنند.

از همه مهم‌تر اینکه زنان با مشارکت سیاسی می‌توانند بر اساس نیازها و خواسته‌های خود اقدام به انتخاب کنند و این به نوعی بیان خواسته‌ها و دفاع از آنها به شمار می‌آید. بر همین اساس فراهم آمدن زمینه مشارکت سیاسی زنان از یک مبارکت انقلاب است و سیره حضرت امام خمینی معمار کبیر انقلاب هم بر این امر تأکید داشت به گونه‌ای که ایشان فرمودند: «زنان باید در

مقدرات اساسی مملکت دخالت کنند»

روایتی از زندگی شهیده‌ای که مورد تمجید رهبری قرار گرفت

کتاب عصمت (خاطراتی از شهیده عصمت پورانووری) به قلم سیده رقیه آرنگ، زندگینامه داستانی این بانوی شهید را به تصویر می‌کشد و از رشادت‌های ایشان در زمان بمباران دزفول سخن می‌گوید. این کتاب که مورد تمجید مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته است، شامل هفت روایت است که آغاز تا پایان زندگی شهیده عصمت پورانووری را نشان می‌دهد. این شهید بزرگوار در سن ۱۹سالگی و زمانی که تنها ۶۶روز از ازدواجش گذشته بود، در سال ۱۳۶۰ بر اثر بمباران هوایی دشمن به شهادت رسید. روایت زندگی و خصوصاً روایت ازدواج این شهید بزرگوار، می‌تواند الگویی برای تمامی دختران ایرانی باشد. در بخشی از کتاب عصمت می‌خوانیم: «منیزه شش سال و نیش بود که مریض شد. یک روز صبح بعد از اینکه صبحانه خوردم، عذرا و کبری همراه پدرشان به مدرسه رفتند. منیزه، منصوره و علیرضا هم خوابیده بودند. طبق عادت همیشگی قبل از بیدار شدن چیه‌ها، پاره‌چهارا برش می‌زدم و لباس‌های آماده را اتو می‌کردم. پای چرخ خیاطی نمی‌رفتم که با صدایش از خواب بیدار نشوند. دوه ساعت بعد، منصوره بیدار شد و آمد کنارم نشست و به من تکیه داد. گفتم: «برو دست و صورت رو بشو و خواهرت رو بیدار کن که با هم صبحانه بخورید.» رفت توی اتاق و کمی بعد برگشت و گفت: «خواه‌ای بیدار نمیشه.» بلند شدم رفتم توی اتاق، از خواب بیدارش کردم رنگ و رویش پریدم بود. دستش را گرفته و به زور از رختخواب جدایش کردم. همین که دستش را رها کردم، نشست. دوباره دستش را گرفتم. بدش گرم بود. بغش کردم و روی پایم شاندش. مواهیش را کنار زدم و پیشانی‌اش را لمس کردم. بدجور تب کرده بود. بریده بریده گفتم: «مادر! را دم در می‌کند.» به پایش نگاه کردم دیدم که دمل بزرگی به اندازه یک گرد روی زانویش سبز شده شاید هم بزرگ‌تر. دست و پایم را گم کرده بودم. سراسیمه از جا بلند شدم و چادرم را سر کردم. علیرضا خوابیده بود. دلم نیامد بیدارش کنم.